

موضوع: خارج فقه مسائل کرونا ویروس

جلسه هشتم / ۲۵ فروردین ۹۹

استاد سید احمد خاتمی

تکفین میت کرونایی

سوال- هل يجب تكفينه بالاثواب الثلاثة و ما اذا لم تسمح السلطات بفتح الكيس الذى يغطى به ليكفن بها؟ آیا بیمار کرونای باید به سه لباس کفن کرد؟ و در صورتی که مسئولان اجازه تکفین میت کرونایی را ندهند تکلیف چیست؟

مشهور بین فقهای شیعه وجوب تکفین میت به اثواب ثلاثة است سید یزدی در عروه می فرماید: و يجب تكفينه بالوجوب الكفائي رجلا كان أو امرأة أو خنثى أو صغيرا بثلاث قطعات- الأولى المئزر ويجب أن يكون من السرة إلى الركبة والأفضل من الصدر إلى القدم الثانية القميص و يجب أن يكون من المنكبين إلى نصف الساق و الأفضل إلى القدم الثالثة الإزار و يجب أن يغطى تمام البدن[1]

تکفین میت مسلمان واجب کفایی است. فرق نمی کند میت مسلمان مرد، یا زن یا، یا خنثی و طفل ضغیر باشد. اخبار در حکم آن مستفیض هستند، یک فقیه در حکم مخالفت نکرده است. معنی وجوب کفایی این است که خداوند می خواهد میت مسلمان کفن بشود و اگر یک نفر اقدام به آن کند از دیگران ساقط می باشد. کفن میت مسلمان باید با سه قطعه باشد قطعه اول مئزر به معنی لنگ است. واجب است لنگ از ناف تا زانو باشد. بهتر است از سینه تا قدم میت باشد. قطعه دوم، پیراهن که از شانه ها تا ساق باشد و مستحب است تا قدم های میت باشد. قطعه سوم ازار است که تمام بدن میت را بپوشاند. این مقدار از کفن میت مسلمان، معروف بین فقهای شیعه است. لکن به سلاّر- سلاّر بن عبد العزیز دیلمی- نسبت داده شده، یک قطعه در تکفین میت کفایت می کند. فالواجب: توجیّه إلى القبلة: يجعل باطن قدميه إليها و وجهه تلقاها. و تغسيلة مرة بماء القراح، و تكفينه بقطعة واحدة[2].

دلیل مشهور بیست و یک روایت است. در برخی روایات به یک قطعه و در برخی دیگر به دو قطعه تکیه شده است. ولی اینکه باید سه قطعه باشد روایت محمد بن مسلم دلالت بر آن می کند.

و رَوَاهُ الْكَلْبِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ إِنَّمَا الْكَفْنُ الْمَفْرُوضُ ثَلَاثَةُ أَثْوَابٍ وَ ثَوْبٌ تَامٌ[3].

وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ عَنْ يُوسُفَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: الْكَفَنُ فَرِيضَةٌ لِلرِّجَالِ ثَلَاثَةُ أَثْوَابٍ وَالْعِمَامَةُ وَالْخِرْقَةُ سُنَّةٌ وَأَمَّا النِّسَاءُ فَفَرِيضَتُهُ خَمْسَةُ أَثْوَابٍ [4].

وَعَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: يُكْفَنُ الرَّجُلُ فِي ثَلَاثَةِ أَثْوَابٍ وَالْمَرْأَةُ إِذَا كَانَتْ عَظِيمَةً فِي خَمْسَةِ دِرْعٍ وَ مِنْطَقٍ وَ خِمَارٍ وَ لِفَافَتَيْنِ [5].

وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمَيِّتُ يُكْفَنُ فِي ثَلَاثَةِ سَوَى الْعِمَامَةِ وَالْخِرْقَةِ يَشُدُّ بِهَا وَرَكْنِيهِ لِكَيْلَا يَبْدُوَ مِنْهُ شَيْءٌ وَالْخِرْقَةُ وَالْعِمَامَةُ لَا بُدَّ مِنْهُمَا وَ لَيْسَتْ مِنَ الْكَفَنِ [6].

وَعَنْهُمْ عَنْ سَهْلِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنِ الْحَلِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ إِنَّ أَبِي كَتَبَ فِي وَصِيَّتِهِ أَنْ أُكْفَنَ فِي ثَلَاثَةِ أَثْوَابٍ أَحَدُهَا رِدَاءٌ لَهُ حَبْرَةٌ وَ ثَوْبٌ آخَرُ وَ قَمِيصٌ قُلْتُ وَ لِمَ كَتَبْتَ هَذَا قَالَ مَخَافَةَ قَوْلِ النَّاسِ وَ عَصْبَنَاهُ بَعْدَ ذَلِكَ بِعِمَامَةٍ [7].

وَعَنْهُمْ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ يَزِيدٍ عَنْ بَدْرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَلَامٍ أَبِي عَلِيٍّ الْخُرَاسَانِيِّ عَنْ سَلَامِ بْنِ سَعِيدٍ الْمَخْزُومِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ أَنَّ عَبَّادَ بْنَ كَثِيرٍ قَالَ لَهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فِي كَمْ ثَوْبٍ كُفِّنَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ فِي ثَلَاثَةِ أَثْوَابٍ ثَوْبَيْنِ صَحَارِيَيْنِ- وَ ثَوْبٍ حَبْرَةٍ وَ كَانَ فِي الْبُرْدِ قَلَّةً. [8]

بنابراین مضمون این چند روایت وجوب کفن با سه قطعه است و موجب اطمینان می شود لذا است که مشهور قائل به آن شده اند. اما نسبتی که به سلار در جواهر الکلام جج ۴ ص ۱۵۹ داده شده، نسبت درستی است. دلیل سلار بر کفایت یک قطعه روایت زراره که در آن تعبیر به «او» شده و سلار از آن تخیر را فهمیده است.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الْمُفِيدِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ وَ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ جَمِيعاً عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع الْعِمَامَةُ لِلْمَيِّتِ مِنَ الْكَفَنِ هِيَ قَالَ لَا إِنَّمَا الْكَفَنُ الْمَفْرُوضُ ثَلَاثَةُ أَثْوَابٍ أَوْ ثَوْبٌ تَامٌ لَا أَقَلَّ مِنْهُ يُوَارَى فِيهِ جَسَدُهُ كُلُّهُ فَمَا زَادَ فَهُوَ سُنَّةٌ إِلَى أَنْ يَبْلُغَ خَمْسَةً فَمَا زَادَ فَمُبْتَدَعٌ وَ الْعِمَامَةُ سُنَّةٌ وَ قَالَ أَمَرَ النَّبِيُّ ص بِالْعِمَامَةِ وَ عُمَمَ النَّبِيِّ (وَ بَعَثْنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَ نَحْنُ بِالْمَدِينَةِ وَ مَاتَ أَبُو عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءُ وَ بَعَثَ مَعَنَا بَدِينَارٍ فَأَمَرَنَا بِأَنْ نَشْتَرِيَ خُطُوطاً وَ عِمَامَةً فَفَعَلْنَا) [9]

سند روایت

شیخ طوسی از استاد خود شیخ مفید نقل می کند، او از جعفر بن محمد بن قولویه، مقبره او در کاظمین کنار شیخ مفید است. سعد بن عبد الله قمی اشعری است. علی بن حدید ضعیف است ولی ابن ابی نجران ثقه است بنابراین روایت صحیح است.

دلالت روایت

امام علیه السلام فرموده اند: « انما الکفن المفروض ثلاثة اثواب او ثوب تام»، ظاهر روایت تخییر بین اقل و اکثر است. بنابراین معنای روایت اینگونه می شود، واجب در کفن سه قطعه است که یکی از آنها باید شامل جمیع جسد باشد یا کفن یکی باشد که شامل جمیع جسد است. ولی تخییر بین اقل و اکثر معقول نیست. شیخ طوسی روایت را با «او» و مرحوم کلینی با «واو» نقل کرده است. چون ذکر الخاص بعد العام است اشکالی ندارد. مانند فیها فاکحة و نخل و رمان که نخل و رمان جزء فاکحه و میوه هستند. بلکه در بعضی نسخ تهذیب «او» است و بالاتر اصلا در برخی نسخ «او ثوب» تام نیست و فقط «ثلاثة اثواب» است. در اتنساخ هایی که در قدیم می نوشتند او با واو نزدیک بودند بنابراین «او» یا «واو» نقش تعیین کننده ای در حکم ندارد. و اگر اصرار به تفاوت نقل ها شود نقل کلینی امتن است و مقدم بر نقل شیخ طوسی می شود. بنابراین جای شک و شبهه نیست که کفن سه قطعه است. این حکم وجوب کفن با سه قطعه اما در مورد میت کرونایی در جاهایی که نگران انتشار ویروس هستند و توجه به مسائل شرعی نمی شود اجازه تکفین داده نمی شود و فقط میت را در کیسه قرار می دهند و دفن می کنند. در چنین مواردی اگر امکان داشته باشد (اجازه بدهند) از روی کیسه کفن شود باید از روی کیسه کفن کنند اضافه بر آن در روایات وجوب تکفین گفته شده اما اینکه حتما باید بین بدن میت و کفن حائلی مانند کیسه نباشد اشاره ای به آن نشده است. و اگر امکان تکفین با یک قطعه باشد به دلیل قاعده میسور- ما لایدرک کله لا یتراک کله- با همان یک قطعه کفن کنند. گرچه فرض عدم امکان تکفین در روایت گفته نشده ولی سید در عروه متعرض آن شده است. و إن لم يتمکن من ثلاث قطعات یکتفی بالمقدور و إن دار الأمر بین واحدة من الثلاث تجعل إزارا و إن لم یتمکن فثوبا و إن لم یتمکن إلا مقدار ستر العورة تعین و إن دار بین القبل و الدبر یقدم الأول . [10] و سید می فرماید اگر بین سه قطعه فقط امکان کفن با یک قطعه باشد با ازار کفن کند و اگر آن هم ممکن نباشد با ثوب کفن کند و اگر به مقدار ستر عورت ممکن باشد به همان اکفتا کند و اگر فقط امکان کفن کردن قُبُل باشد نیز به آن اکتفا کند. فلسفه کفن در روایت فضل بن شاذان برای این است که عورت او مکشوف نشود لذا جناب سید می فرماید اگر فقط به مقدار عورت یا قبل باشد باید آن را کفن کند.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعِلَالِ وَفِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرَّضَا
ع قَالَ: إِنَّمَا أَمْرٌ أَنْ يُكْفَنَ الْمَيِّتُ - لِيَتَلَقَى رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ظَاهِرَ الْجَسَدِ وَلِيَلَّا تَبْدُو عَوْرَتُهُ لِمَنْ يَحْمِلُهُ
أَوْ يَدْفِنُهُ [11] .

یکی از مراجع تقلید درباره میت کرونایی همین فتوا را داده است « يجب تكفينه بالاثواب الثلاثة
و لو من فوق الكيس و لو لم يتيسر تكفينه بها جميعاً فليكفن بالمتيسر منها كالازار الذي يغطي
تمام البدن »

حنوط میت کرونایی

سید یزدی درباره وجوب حنوط می فرماید: و هو مسح الكافور على بدن الميت يجب مسحه
على المساجد السبعة و هي الجبهة و اليدان و الركبتان و إبهاما الرجلين و يستحب إضافة طرف
الأنف إليها أيضا. [12]

مرحوم حکیم می فرماید حنوط عبارت از کافور است و تحنيط، مسح کافور بر بدن میت است.
مسح به معنی مالیدن کافور بر مواضع سبعة است، نه گذاشتن کافور بر بدن. مقداری بر
پیشانی و بر کف دو دست او و مقداری بر دو زانو و بر دو انگشت ابهام پا و مستحب است
روی بینی و زیر بغل و دیگر مفاصل بدن مانند باطن قدم و هر موضعی که رایحه کریه داشته
باشد. زمان حنوط بعد از غسل است آری قبل تکفین و بعد از غسل جایز است.

همه فقهاء در وجوب حنوط متفق القول هستند، فقط مقدس اردبیلی در وجوب آن توقف
کرده است. محقق خویی می گوید کلام مقدس اردبیلی را ندیده. عدم وجوب به سلار نسبت
داده شده ولی حق این است که سلار نگفته کفن واجب نیست بلکه سلار صور مساله را گفته
است. کسی که بعد از دینا آمدن بیمار - یعنی در رحم نمیرد - بر دو قسم است. یکی، کمتر از
شش سال داشته باشد. دوم، بیشتر از شش سال داشته باشد. و می فرماید اگر کمتر از شش
سال داشته باشد کفن و تحنيط می شود. بنابراین نسبتی که به سلار داده شده درست نیست.
دلیل آن روایتی است که وجوب حنوط در آن آمده است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ حُمَيْدِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكِنْدِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ
الْمِثَمِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ
الْحَنُوطِ لِلْمَيِّتِ فَقَالَ اجْعَلْهُ فِي مَسَاجِدِهِ. [13]

سند روایت

حمید بن زیاد از مشایخ کلینی است او از عُمَد واقفیه است. حسن بن محمد کندی، بیست و نه روایت دارد. کشی او را توثیق کرده است. احمد بن حسن میثمی، هفتاد روایت دارد، او احمد بن حسن بن اسماعیل بن شعیب بن میثم تمار است. ثقة صحیح الحدیث معتمد علیه. ابان بن عثمان از اصحاب اجماع است. درباره او گفته شده «کان من القادسیة» که علامه حلی «کان من الناووسية» خوانده است. و گفته از فرقه ناوسیه است لذا به روایتی که تنها او نقل کند اعتماد نمی کند. در حالی که از ناووسیه نیست. به نظر می رسد این خبط نسخه است. عبد الرحمن بن ابی عبدالله، ثقة هو و ابوه وجده.

دلالت روایت

امام علیه السلام در «اجعله فی مساجده» حکم و جای مسح حنوط را فرموده است سوال شده است اگر وجوب حنوط ممکن نباشد. بدل دارد؟

س- اذا لم يتيسر تحنطيه بامساس مساجده السبعة بالكافور فهل له بدیل يعمل به؟

جواب- در روایات بدیلی برای کافور در صورتی که تحنیط ممکن نباشد ذکر نشده است. در این صورت تکلیف دیگری بر عهده نیست.

سوزاندن میت کرونایی

س- در برخی بلاد غیر اسلامی برای جلوگیری از انتشار ویروس جنازه میت کرونایی را می سوزانند. اگر از اولیای میت مسلمان اجازه خواستند برای جلوگیری از انتشار ویروس میت کرونایی آن را بسوزانند آیا جایز است اجازه بدهند؟ و اگر بتوانند مانع سوزاندن بشوند آیا ممانعت لازم نیست؟

جواب- حرق و سوزاندن میت ملسمان بی حرمتی به آن است. باید ممانعت کنند و نگذارند میت مسلمان را بسوزانند و اگر نتوانستند ممانعت کنند تکلیفی بر عهده آنها نخواهد بود. خداوند می فرماید: لا یكلف الله نفساً الا وسعها. قدرت شرط عمومی تکفین است. بنابراین در تجهیز میت مسلمان ضوابط شرعی رعایت بشود.

[2]المراسم العلوية في النبوة، الديلمي، الشيخ أبي يعلى، ج ١، ص ٤٧.

[3]وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٣، ص ٦، أبواب التكفين، باب ٢، ح ٢، ط آل البيت.

[4]وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٣، ص ٨، أبواب التكفين، باب ٢، ح ٧، ط آل البيت.

[5]وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٣، ص ٨، أبواب التكفين، باب ٢، ح ١٠-٩، ط آل البيت.

[6]وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٣، ص ٩، أبواب التكفين، باب ٢، ح ١٢، ط آل البيت.

[7]وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٣، ص ١٠، أبواب التكفين، باب ٢، ح ١٣، ط آل البيت.

[8]وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٣، ص ١١، أبواب التكفين، باب ٢، ح ١٧، ط آل البيت.

[9]وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٣، ص ٦، أبواب التكفين، باب ٢، ح ١، ط آل البيت.

[10]العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٢، ص ٦٣-٦٤.

[11]وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٣، ص ٥، أبواب التكفين، باب ١، ح ١، ط آل البيت.

[12]العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٢، ص ٧٩.

[13]وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٣، ص ٣٦، أبواب التكفين، باب ١٦، ح ١، ط آل البيت.